

- ۵ - تعداد زیادی از سیاهان، که رهبران بی‌چون و چرای هم بائی خود هستند، بخاطر عدم اطمینان به تعایلات دولت از درگیر شدن در مباحث مربوط به قانون اساسی اجتناب نموده‌اند.
- ۶ - تلاش برای اخراج سیاهان از مناطق شهری با شکست مواجه شده است.

علیرغم تأکیدات این جزوه درون حزبی پیرامون برخی موفقیت‌های طرح بافت‌وستان‌های مستقل، جوهر آن اعتراف به عدم امکان تداوم آپارتاید و لاجرم چاره‌اندیشی برای برخی رفورم‌هاست. پیتر بوتو رئیس‌جمهور فعلی در سخنرانی خود تحت عنوان "بهایه‌ای برای یک آفریقای جنوبی جدید" در ۱۶ اوت ۱۹۸۵ پس از رجزخوانی‌های بسیار در مورد مبارزه علیه خشونت و دخالت خارجی‌ها چنین اظهار داشت:

بعقیده من هرگونه تغییر آتی در قانون اساسی، که دخالت همه اتباع آفریقای جنوبی را ممکن گرداند، باید مورد مذاکره رهبران منتخب آنها قرار گیرد. ممکن نیست که خواسته‌های سیاسی تمام گروه‌های مختلف جمعیت ما را در نظام‌های سیاسی شناخته و تعریف شده تاکنونی جا داد. ما باید یک نظام ویژه‌ای پیدا کنیم چون مسائل مهم ویژه هستند.

این اعتراف علنی اکثریت بورژوازی و جمعیت سفید پوست آفریقای جنوبی بر شکست نظام آپارتاید و اعلام آمادگی و تلاش جهت یافتن مکانیزم و سیستم سیاسی دیگری برای حفظ نظام سرمایه‌داری در این کشور است. دولت فعلی آفریقای جنوبی دم از رفرم در آپارتاید میزند و عملاً هم برخی قوانین جدائی نژادها، آنجا که مستقیماً سودآوری سرمایه در خطر نمی‌افتد، را ملغی کرده است. قانون منع رابطه جنسی و ازدواج بین نژادهای مختلف اخیراً لغو شد. به جدایی نژادها در کلیسا، اتحادیه‌های کارگری و برخی دیگر از عرصه‌های فعالیت اجتماعی پایان داده شد. صحبت جنسی بر سر لغو قانون مناطق [بیژه - م] گروهها در طبقه حاکم جریان دارد. بقول مجله اکونومیست عملاً هم اکنون ۵۰۰۰۰ نفر از دورگه‌ها در مناطق سفید پوستان زندگی میکنند و تعقیب قانونی آنها نتیجه نداشته است. نویسندگان این مجله بورژوازی راست اضافه میکنند که این قانون میتواند ملغی شود چرا که فقر خودش سبب پوستان را از مناطق مسکونی سفید پوست دور نگه خواهد داشت. در ۴ فوریه ۱۹۸۷ حزب فاشیستی راج.ان.پی سندی مضمی را به اجلاس پارلمان سفید ارائه نمود که نشان میداد دولت و حزب حاکم در فکر ایجاد حکومت اکثریت در آفریقای جنوبی است. این سند طرحها و پیشنهادات یک نهاد نیمه رسمی دولتی بنام برودر باند* است که خود رئیس جمهور بوتاهم در آن عضویت دارد. در این سند "کاملاً محرمانه" تحت تیترا "شرایط اساسی قانونی برای بقاء آفریکانر" (نامی که سفید پوستان هلندی‌الاصل

آفریقای جنوبی بر خود نهاده‌اند) اعلام میشود که دولت آماده است طرح حکومت اکثریت را بپذیرد: (۱۱)

اکثریت اعضا دولت قطعاً میتوانند سیاه باشند. اما سیستم و روش کار باید طوری باشد که همه گروهها بتوانند بطور موثری در آن شرکت کرده و تحت نفوذ گروه دیگر قرار نگیرند.

در آستانه انتخابات اخیر روزنامه گاردین خبر داد که طراحان "وزارت توسعه قانون اساسی" طرحهایی آماده کرده‌اند که مطابق آن سیاهپوستان در دولت مرکزی، بر اساس اصل "اکثریتهای موافق"، شرکت خواهند یافت. اصل "اکثریتهای موافق" به اکثریت نمایندگان هر نژاد این حق را میدهد که تصمیمات کل اکثریت پارلمانی را وتو نمایند. (۱۲)

اقلیتی از اعضا و نمایندگان بالای حزب حاکم از جمله دکتر دنیس وورال، سفیر اسبق و مستعفی آفریقای جنوبی در بریتانیا، ویناند مالان نماینده مجلس سابق از حزب ملی و دکتر استر لاتیگان یک زن سرمایه‌دار، در رقابت با حزب حاکم یک بلوک ائتلافی لیبرال تشکیل داده و ضمن تأکید بر لزوم حفظ سرمایه‌داری در آفریقای جنوبی خواستار "یک آفریقای جنوبی که حقوق برابر، عدالت و امنیت را برای همه تضمین نماید" شدند. آنها در بیانیه‌شان اعلام میدارند که همه قوانین تبعیض باید در آفریقای جنوبی لغو شوند و از دولت میخواهند که یک برنامه زمان بندی شده برای انجام آن اعلام نماید. این بلوک ائتلافی در انتخابات اخیر آفریقای جنوبی بخشی از آراء سنتا متعلق به حزب ملی را

بمطووع اختصاص داد. این بلوک از پشتیبانی عده زیادی از اساتید دانشگاه و سیاستمداران و سرمایه‌داران ریز و درشت آفریقای جنوبی برخوردار است.

در میان احزاب سنتی سفید پوستان حزب فدرال ترقی خواه اساساً فلسفه وجودی خود را از سالها پیش تغییر نظام حکومتی آپارتاید به یک آفریقای جنوبی متحد ولی فدرال قرار داده است. البته فدرالیسم این حزب "ترقیخواه" نه بر اساس مناطق جغرافیایی بلکه بر اساس گروههای نژادی متکی است.

در سپتامبر ۱۹۸۵، ۹۱ نماینده کمپانیهای داخلی و خارجی در آفریقای جنوبی مشترکاً یک بیانیه را امضاء نموده و در روزنامهها آگهی کردند. در این بیانیه از جمله خواستههای زیر مطرح شده‌اند: (۱۳)

الغاء قوانین تبعیض نژادی در هر جا که وجود دارند، مذاکره با رهبران شناخته شده سیاهپوست در باره تقسیم قدرت، اعطاء شهروندی کامل به همه مردم ما و استقرار و دفاع از حاکمیت قانون.

در سپتامبر ۱۹۸۵ هیاتی از مهمترین سرمایه‌داران آفریقای جنوبی از جمله نمایندگان بزرگترین شرکت سرمایه‌دار این کشور، یعنی انگلو-امریکن، در زامبیا بدیدار رهبران کنگره ملی آفریقا رفتند. پس از این سفر سخنگویان این هیات خواستار آزادی نلسون ماندلا (رهبر ای.ان.سی. که از سال ۱۹۶۴ زندانی است)، کوشش برای جایگزین کردن آپارتاید با یک نظام قابل قبول برای همه و مذاکره دولت با رهبران ای.ان.سی.

شدند. تونی بلوم رئیس گروه صنعتی پرمیر* پس از این ملاقات گفت: (۱۴)

نکته‌ای که ما مطرح کردیم این بود که وضعیت سیاسی در آینده هر چه باشد مهم اینست که اقتصادی قابل اتکاء و قوی داشته باشیم و اینکه بنابراین سرمایه داران منافع حیاتی در آینده [آفریقای جنوبی - م] دارند.

به همه این اقدامات "داخلی" باید دیدارهای سران اغلب کشورهای امپریالیستی غرب، از جمله جفری هاو وزیر امور خارجه بریتانیا و جورج شولتز وزیر امور خارجه امریکا با اولیور تامبو رهبر ای.ان.سی. را اضافه نمود. تقریباً تمام رهبران این کشورها به صراحت اعلام نموده‌اند که خواستار الغاء نظام آپارتاید و اعطاء حقوق سیاسی و شهروندی به اکثریت سیاهپوست آفریقای جنوبی با تاکید بر حفظ نظام سرمایه‌داری و منافع غرب در آن کشور هستند. تحت فشار جنبش ضد آپارتاید و برای فاصله گرفتن از پیکر متعفن و نیمه جان آپارتاید در آخرین لحظات، امپریالیستهای غرب ظاهراً به سیاست بایکوت اقتصادی آفریقای جنوبی و فشار آوردن به دولت آفریقای جنوبی تن داده‌اند. می‌گوئیم ظاهراً چرا که بگفته

* PREMIER MILLING GROUP

سهندی مافومادی، معاون دبیر کل کنفدراسیون کارگری کاساتو: (۱۵)

در سال گذشته ۶۰ کمپانی امریکایی حداقل تا آنجا که به نوشتهها برمیگردد از آفریقای جنوبی خارج شدند. در اغلب موارد آنها سهام شرکت امریکایی را به یک شرکت آفریقای جنوبی فروخته‌اند با این شرط که حق بازخرید سهام برایشان محفوظ بماند و اینکه پروانه‌های مربوط به تکنولوژی و تولید کماکان از امریکا خریداری خواهند شد. حتی برخی از کمپانیهای امریکایی به شرکتهای آفریقای جنوبی قرض داده‌اند تا سهام آنها را بخرند... کمپانی کوکاکولا از جمله این شرکتهاست... کمپانی سوئدی آسیا* سهام خودش را به شریک سابقش در آفریقای جنوبی کمپانی پاور تک** فروخته که روابط نزدیکی با کمپانی اسلحه سازی عظیم دولت آفریقای جنوبی یعنی آرمزکور دارد.

این اقدامات هر چند هم که ظاهری باشند ۲ نکته را بوضوح نشان میدهند. اول اوج گیری و قدرت مبارزات ضد نظام آپارتاید در خود آفریقای جنوبی که بورژوازی در داخل و خارج را به هراس انداخته و دوم تلاش آنها برای خلاص شدن از دست قوانین دست و پاگیر

* ASEA

** POWER TECH

آپارتاید و روی کار آوردن یک حکومت با شرکت سیاهپوستان البته بشیوه‌ای سرمایه پسند.

آپارتاید و جمعیت سفید پوست

در جمعیت سفید پوست آفریقای جنوبی یا طیفی از عکس‌العمل‌های مختلف روبرو هستیم. از جریان‌ات علنا راست و فاشیست که بگذریم اکثریت جمعیت سفید پوست بنظر میرسد که در حالتی شبیه صبر و انتظار به اقدامات حزب حاکم یعنی حزب ملی و اپوزیسیون پارلمانی آن یعنی بلوک نمایندگان مستقل و حزب ترقیخواه فدرال چشم دوخته‌اند. برخی از سرمایه‌داران سفید پوست که به آینده سرمایه‌داری در آفریقای جنوبی چندان خوشبین نیستند شروع به خارج کردن سرمایه‌های خود از آفریقای جنوبی نموده‌اند. بنا به آمار رسمی دولتی در سه ماهه اول ۱۹۸۵ معادل ۲۸۷۱ میلیون راند سرمایه از آفریقای جنوبی خارج شده است. این رقم ۱۰ برابر سرمایه‌ایست که یکسال قبل یعنی در سه ماهه اول ۱۹۸۴ از آفریقای جنوبی خارج شد. (۱۶)

اکثریت مردم سفید پوست امیدوارند که با تغییرات حقوقی و قانونی چندی در آینده نزدیک آپارتاید و جنبش ضد آپارتاید هر دو به خاطرهای بد و مربوط به گذشته تبدیل شوند. از داد و قالهای لیبرالهای پارلمان نشین که بگذریم در جمعیت سفید پوست میتوان به بخش فعال بر علیه آپارتاید هم اشاره نمود. عده‌ای از اساتید دانشگاه، شخصیت‌های مذهبی و دانشجویان سفید پوست دانشگاهها با پیوستن به جبهه متحد

دموکراتیک (یو.دی.اف) یا نهادهای وابسته به آن به نوعی تمایلات لیبرالی و ضد آپارتاید خود را نشان می‌دهند. شرکت در تشییع جنازه قربانیان رژیم آپارتاید و امتناع از رفتن به سرپازی از دیگر اشکال ابراز همبستگی بخشی از سفیدپوستان بامبارزات ضد آپارتاید است. اعتراض بخصوص در میان جوانان سفیدپوست قابل ملاحظه است. اخیراً جلسه‌ای که بدعوت دانشجویان عمدتاً سفیدپوست یک دانشگاه برای سخنرانی وینی ماندلا همسر لسمون ماندلا ترتیب داده شده بود با حمله پلیس و دستگیری عده‌ای از دانشجویان سفید پوست برگزار شد و بهم خورد. در آفریقای جنوبی فقط سفید پوستان برای دفاع از نظام آپارتاید مشمول نظام وظیفه هستند. سخنگوی "جنبش پایان دادن به نظام وظیفه" که دربر گیرنده جوانان سفیدپوست است در سال ۱۹۸۵ اعلام کرد که ۷۵۸۹ نفر از سفیدپوستان فقط در نوبت ژانویه ثبت نام برای نظام وظیفه غایب بوده‌اند. در حالیکه رقم فراریان از نظام وظیفه برای کل سال ۱۹۸۴ برابر ۱۵۹۶ نفر بوده است. (۱۳)

بخش کوچکی از روشنفکران سفیدپوست تمایلات سوسیالیستی و حتی مارکسیستی از خود نشان داده‌اند. هرچند که تعداد این قبیل افراد و قائلان آنها در کل جامعه ناچیز است ولی در اعتلای شرایط انقلابی می‌توانند نقش مهمی بویژه در رابطه با آموزش کارگران سفیدپوست بازی کنند.

خواسته‌های عمومی علیه آپارتاید

ما در فصول بعدی به بررسی مفصل تر مواضع و عملکرد سازمانهای سیاسی و توده‌ای ضد آپارتاید در میان سیاهپوستان از جمله

ای.ان.سی.، آزاپو و حزب "کمونیست" آفریقای جنوبی و اتحادیه‌های کارگری مانند کوساتو و ناکتو خواهیم پرداخت. در اینجا مختصراً لازم است اشاره کنیم که همه این سازمانها و نهادها و حتی جریان رسماً و عملاً ضد کمونیست و مزدور اینخاتا*، متعلق به گاتشا بوتالزی رئیس سنتی زولوها، همگی خواستار لغو تمام قوانین آپارتاید، آزادی برای فعالیت سازمانهای سیاسی سیاهپوستان، آزادی زندانیان سیاسی و بخصوص نلسون ماندلا و بالاخره شرکت سیاهپوستان در نظام سیاسی و حکومتی آفریقای جنوبی هستند.

ما به خواسته‌ها و برنامه‌های دیگر مخالفین امروزی آپارتاید، یعنی بخشهایی از حزب حاکم، اپوزیسیون لیبرال آن در مجلس، جناحهای مختلف بورژوازی در داخل و خارج آفریقای جنوبی بیشتر اشاره کردیم. با توجه به بیانیها و برنامه‌ها و خواسته‌های همه این جریانها و نهادهای سیاسی و اجتماعی میتوان گفت که فصل مشترک خواسته‌های عمومی برای جایگزینی نظام آپارتاید به قرار زیر است:

- ۱ - لغو کلیه قوانین تبعیض نژادی از جمله قوانین کنترل عبور و مرور، مناطق ویژه گروهها، ثبت جمعیت.
- ۲ - از بین رفتن طرح بانتوستالها.
- ۳ - اعطای حق شهروندی به سیاهپوستان، دورگه‌ها و اهالی هندی‌الاصل

* INKHATHA YENKULULEKO YESIZWE

آفریقای جنوبی.

۴ - اعطای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن به اکثریت سیاهپوست برای حکومت مرکزی.

۵ - ایجاد یک آفریقای جنوبی واحد با یک حکومت مرکزی.

جنبش ضد آپارتاید بقدری قوی است و خطر اوج گیری و تعمیق مبارزه مستقل کارگران برای سوسیالیسم، در متن جنبش ضد آپارتاید، آنقدر محتمل است که از میان برداشتن نمودهای حقوقی این نظام را به بورژوازی در آفریقای جنوبی و جهان دیکته کرده است. بدون قدرت گیری مبارزات اعتراضی و بخصوص مبارزات کارگران سیاهپوست حتی سخنی هم از این تفهیرات نمیتوانست در میان باشد. از جانب دیگر اشتباه بزرگی خواهد بود اگر تصور کنیم اکثریت مردم آفریقای جنوبی، یعنی میلهونها کارگر و زحمتکش سیاهپوست، حاضرند مبارزه حق طلبانه و خواستههای ضد آپارتاید خویش را به تحقق همین رفورمهای حقوقی و مدنی و فصل مشترک با بورژوازی محدود نمایند. برای بیش از سه چهارم مردم آفریقای جنوبی، آپارتاید و سرنگونی این نظام حتی در اولین گامها معانی بسیار گسترده تر و عمیقتری دارد. آپارتاید برای آنها بیماری و مرگ ناشی از بهداشت بد، مردن کودکان خردسال بخاطر بدی تغذیه، جدائی اعضا خانواده و اسکان در ساختمانها و بیغولهایی نه شایسته بشر، بیسوادی، کمترین بهره از کل ثروتی که بدست خود بوجود آورده اند، دستمزد ناچیز، عدم تامین اجتماعی و بالاخره سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام توسط ارتش، پلیس و دولت، که کمترین امکان کنترل و دخالت در امر تصمیم گیری و اجرای سیاستهایش ندارند، بوده است. این مردم

در مبارزه ضد آپارتاید خود خواستار رفع فوری این عوارض نظام سرمایه‌داری تحت پوشش آپارتاید و ایجاد کیفیت نوینی در سطح معیشت، رفاه عمومی و اعمال اراده جمعی در تعیین و اجرای سیاستهای حاکم بر سرنوشت خویش هستند. آنچه که امروز مورد بحث و منازعه نیروها و شخصیت‌های سیاسی در آفریقای جنوبی و جهان است نوع و میزان تغییرات در این عرصه‌هاست.

مسائل گرهی در خواستهای ضد آپارتاید

امروزه هیچ جریان سیاسی و سیاستمداری در آفریقای جنوبی نیست که بدیل نظام حکومتی و اقتصادی خود را برای دوران پس از آپارتاید در این کشور بیان ننماید. در فضایی که حتی محافل و احزاب ارتجاعی آپارتاید هم مجبور شده‌اند تا از لزوم کنار گذاشتن آپارتاید سخن بگویند مسئله نظام اقتصادی - اجتماعی، شکل دولت و مکانیزمهای اداره آینده جامعه به بحث حاد و روز سیاسی در آفریقای جنوبی تبدیل گشته است. جامعه آفریقای جنوبی آستان تحولات جدی است و طبقات مختلف اجتماع و نمایندگان سیاسی آنها تلاش در ارائه تصویر هرچه مشخص‌تر از بدیل آینده خود دارند. جنبش نه فقط برای سرنگونی آپارتاید بلکه برای استقرار نظام دیگری شتاب میگیرد و لازم است تا آن چیزی که جای آپارتاید خواهد آمد برای مردم توضیح داده شود.

اولیور تامبور رهبر ای.ان.سی. در مصاحبه‌ای که در سال ۱۹۸۵ با خبرنگار روزنامه کیپ تایمز یکی از روزنامه‌های معتبر و پرتیراژ

انگلیسی زبان آفریقای جنوبی - در لندن بعمل آورد به این نکته اشاره میکنند. (۱۷) مصاحبه‌گر میپرسد: در لندن شما مورد توجه بسیار قرار گرفته‌اید. بنظرتان دلیل این امر چیست؟ بخشی از پاسخ تامبو به این سوال به قرار زیر است:

... در گذشته فقط محکوم کردن آپارتاید مطرح بود. اما اخیراً علاقه‌مندی جدیدی بوجود آمده است. علاقه [به دانستن - م] اینکه چه چیزی جایگزین آنچه که امروز مشاهده میکنیم خواهد شد و اینکه ما چگونه از وضعیت موجود بسمت یک چیز متفاوت حرکت خواهیم کرد... ما به نقطه‌ای رسیده‌ایم که مردم انتظار تغییراتی را میکشند و شروع به طرح اینکه این تغییر شامل چه چیزهایی خواهد بود کرده‌اند. این یکی از دلایل مورد توجه قرار گرفتن [ما - م] است. مردم میخواهند بدانند وقتی آپارتاید رفت (زیرا که مطمئن هستند آپارتاید رفتنی است) چه چیزی جایگزین آن خواهد گردید.

نمایندگان کهنه کار بورژوازی غرب سالها پیش بدیل خود را برای جایگزینی آپارتاید مطرح کرده بودند. لرد مک میلان نخست وزیر محافظه کار وقت بریتانیا در مسافرتی که در سال ۱۹۶۰ به آفریقای جنوبی داشت طی یک سخنرانی در مورد آپارتاید چنین گفت: (۸)

تفاوت اقتصادی بین سیاه و سفید بتنهایی کافیهست
تجدداتی را عملاً ممکن سازد.

و این نکته دقیقاً مهمترین بحث پیرامون مسئله از میان برداشتن آپارتاید است. رفرمهای مطروحه از جانب دولت، طرحهای اپوزیسیون پارلمانی، پیشنهادات و پلافرمهای سیاستمداران امپریالیست طوری فرموله شده‌اند که هیچگونه تغییری در دستگاه دولتی و سرکوب و همچنین در "تفاوت اقتصادی"، یعنی سطح معیشت و رفاه میلیونها کارگر و زحمتکش این کشور بعمل نیاید. جریانهای لیبرال ضد آپارتاید در اپوزیسیون یا اشاره‌ای به این امور ندارند و یا اشارات و برنامه‌هایشان در این زمینه‌ها جزئی، مبهم، تفسیربردار و موکول و منوط به شرایط نامعلوم است. در مقابل خواسته‌های کارگران و زحمتکشان پیرامون مسئله دولت و نظام اقتصادی و اجتماعی پس از سرنگونی نظام آپارتاید روزبروز روشنتر گشته و دقیقتر مطرح میگردند.

مهمترین نکات مورد منازعه و اختلاف پیرامون اوضاع پس از سرنگونی نظام آپارتاید که در آفریقای جنوبی هم‌اکنون مطرح میباشند بقرار زیر هستند:

- ۱ - نظام اقتصادی - اجتماعی.
- ۲ - ساختار دولت.
- ۳ - خواسته‌های رفاهی (دستمزد و شرایط کار کارگران، بیمه بیکاری، حقوق زنان، آموزش، و پرورش و بهداشت، مسکن و ...) و دموکراتیک (آزادی بیان، تشکل و ...)
- ۴ - زمین (که بنابه قوانین تاکنونی ۸۷٪ از آن متعلق به سفیدپوستان است)
- ۵ - مالکیت و کنترل معادن و کارخانجات.

دولت، جریان‌ات سیاسی اپوزیسیون پارلمانی و دول امپریالیستی پاستشان به این مسائل روشن است. اساس دولت بعنوان ارگانی مافوق مردم و در خدمت حفظ سرمایه‌داری دست نمیخورد. نظام سرمایه‌داری یا برجا میماند. در عین حق رای و شهروندی دادن به اکثریت جمعیت آفریقای جنوبی، یعنی سیاهپوستان، ساختار نظام سیاسی و حکومتی آینده این کشور و حضور سیاهپوستان در آن باید طوری باشد که اقلیت سفیدپوست بتواند امتیازات مادی و مدنی و فرهنگی دلخواه خود را حفظ کند. خواسته‌های رفاهی مطرح نیستند. مالکیت و کنترل زمین و معادن و کارخانجات یا دست نخواهند خورد و یا تغییرات حاصله میبایست در شکل بوده و به اساس کارکرد سرمایه نظم نزده و سرمایه‌داران داخلی و خارجی هم از بابت این تغییرات ضرر نینهند. جفری هاو و جورج شولتز، وزرای خارجه بریتانیا و امریکا در اظهاراتشان هنگام ملاقات با اولیور تامبو در مورد این مسائل اعلام موضع نمودند.

تا آنجا که به سازمانها و نهادهای ضد آپارتاید اپوزیسیون در آفریقای جنوبی برمیگردد نیازی نیست که روی خواسته‌های حقوقی - مدنی آنان مکث کنیم. همه آنها به صراحت و روشنی خواستار لغو تمام قوانین تبعیض نژادی، از بین رفتن طرح بانتوستانها، حق کامل شهروندی برای تمام اهالی آفریقای جنوبی و حکومت اکثریت در یک آفریقای جنوبی متحد و تجزیه نشده هستند. ما هم در بررسی مواضع و عملکرد این جریان‌ات کوشش خواهیم کرد به مسائل گرهی از جمله مسئله دولت و محتوای اقتصادی - اجتماعی نظامی که میخواهند جایگزین آپارتاید گردد، بپردازیم.

فصل هفتم: "کنگره ملی آفریقا"، برنامه و استراتژی آن

کنگره ملی آفریقا (ای.ان.سی.) در حال حاضر مطرح‌ترین سازمان سیاسی ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی است. برنامه آن تحت نام "منشور آزادی" * بیش از هر آلترناتیو دیگری فعلا مورد بحث است. رهبران آن مرتبا به کشورهای مختلف سفر کرده و مورد توجه دولتمردان و سیاستمداران از غرب و شرق قرار دارند. دولت آفریقای جنوبی از طرف سرمایه‌داران داخلی و دول خارجی تحت فشار است که با آن به مذاکره بنشینند. نلسون ماندلا یکی از رهبران ای.ان.سی. که از سال ۱۹۶۴ زندانی است هم اکنون به مهمترین شخصیت سمبلیک جنبش ضد آپارتاید تبدیل شده و همه خواستار آزادی بی‌قید و شرط او هستند. و بالاخره و مهمتر از همه بنظر می‌رسد که ای.ان.سی. مورد توجه و تأیید

* FREEDOM CHARTER

عده زیادی از مردم سیاهپوست آفریقای جنوبی باشد. لازمست سیر بنیانگذاری و تحولات ای.ان.سی. را مورد بررسی قرار دهیم.

بنیانگذاری و تحول ای.ان.سی. تا وضعیت فعلی

ای.ان.سی. در سال ۱۹۱۲ بعنوان یک جریان سیاسی سیاهپوست و در اعتراض به مباحث مطروحه در طبقه حاکمه سفید پوست پیرامون قانونیت بخشیدن به حقوق مالکیت اقلیت سفید پوست در آفریقای جنوبی بوجود آمد. پس از آنکه در سال ۱۹۳۶ قوانین جدید تمام حقوق سیاسی را از سیاهپوستان در استان کیپ گرفت ای.ان.سی. خواست حق رای همگانی را مطرح کرده و برای تحقق آن شروع به مبارزه نمود. در سال ۱۹۴۹ پس از روی کار آمدن جناحی از اقلیت سفید پوست که در صدد پیاده کردن نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی بود ای.ان.سی. برنامه رفرم کاملتری تحت نام "برنامه عمل" تصویب نمود. در سال ۱۹۵۲ این سازمان در جنبش نفی آپارتاید وارد شد. هدف این جنبش اختلال در کارکرد نظام آپارتاید از طریق نفی توده‌ای قوانین آن و پرکردن زندانها از مخالفین پاسیو بود. در ایندوره این سازمان و جنبش ضد آپارتاید تحت تاثیر مبارزات منفی و مسالمت آمیز گاندی در هندوستان بود. در سال ۱۹۵۵ ای.ان.سی. به‌مراه کنگره هندیان آفریقای جنوبی، کنگره مردم دورگه، کنگره اتحادیه‌های صنفی آفریقای جنوبی، کنگره دموکراتها و چندین نهاد دیگر اجلاسی تحت نام "کنگره مردم" سازمان داد که عده زیادی نماینده از همه این سازمانها در آن شرکت نمودند.

حزب حاکم یعنی حزب ملی هم به این کنگره دعوت شده بود که دعوت را نپذیرفت. کنگره مردم یک برنامه لهرالی ضد آپارتاید تحت نام "منشور آزادی" را طرح و تصویب نمود. ترجمه منشور آزادی ضمیمه این مقاله است و پائین تر به بررسی آن خواهیم پرداخت. در سال ۱۹۶۰، پس از قتل عام سیاهپوستان معترض به آپارتاید در شارپ ویل، دولت وضعیت فوق العاده اعلام کرده و ای.ان.سی. کنگره پان - آفریقایی* و حزب "کمونیست" آفریقای جنوبی را غیر قانونی اعلام نمود. عده‌ای از رهبران این سازمانها دستگیر و زندانی شده و بقیه به تبعید رفتند.

در سال ۱۹۶۱ ای.ان.سی. و حزب "کمونیست" آفریقای جنوبی، در شرایطی که اغلب جنبشهای رهاطلبخس در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین به مبارزه چریکی روی می‌آوردند، سازمان نظامی خود زوبین ملت** را بوجود آورده و دست به عملیات نظامی علیه دولت آفریقای جنوبی زد. تا اواسط دهه ۷۰ تبلیغات بیرون مرزی و عملیات نظامی زوبین ملت تقریبا تنها شکل فعالیت ای.ان.سی. را تشکیل میداد.

همانطور که پیشتر اشاره کردیم سرمایه‌داری در آفریقای جنوبی پس از خاتمه جنگ جهانی دوم و بویژه در دهه ۶۰ و ۷۰ رشد بسیاری نمود. کارخانه‌های بیشماری توسط سرمایه‌های داخلی و خارجی بوجود آمدند. روز بروز بر تعداد زحمتکشان "مهاجر" سیاهپوست که برای فروش نیروی کار خود و کارگری کردن به مناطق ویژه سفید پوست روی می‌آوردند بیشتر شد. تعداد کارگران کشاورزی که در سال ۱۹۶۵،

* PAN-AFRICAN CONGRESS

** UMKHONTO WE : I WE

۳۲٪ جمعیت فعال آفریقای جنوبی را تشکیل میدادند در سال ۱۹۸۰ به ۱۷٪ کاهش پیدا کرد و در مقابل تعداد کارگران شاغل در بخش صنعت از ۳۰ به ۳۵ درصد و کارگران بخش خدمات از ۳۸٪ به ۴۹٪ افزایش یافت. (۶) شهرکهای پرجمعیت سیاهپوست نشین مانند سووتو و کراسرود در جوار کارخانها و مناطق صنعتی بوجود آمده و رشد کردند. جامعه سرمایه‌داری آفریقای جنوبی روزبروز قطبی‌تر شده، طبقه کارگر به تمام معنی تبدیل به یکی از دو طبقه اصلی جامعه گردید و اکثریت مردم را در بر گرفت. مرکز ثقل هرگونه اعتراض علیه نظام و نابرابریهای موجود تماما به شهرکهای سیاهپوست نشین و کارخانجات انتقال یافت. زحمتکشان کارگر و مزدبگیر به ستون فقرات جنبش اعتراضی تبدیل شده بودند.

دو واقعه این تحولات اساسی در آفریقای جنوبی و مبارزات اعتراض را پررشدترین وجهی نشان دادند. اول اعتصابات گسترده کارگران سیاه در ۱۹۷۳ در دوربان و برخی مناطق صنعتی بود. علی‌رغم غیرقانونی بودن تشکلهای صنفی و سیاسی برای کارگران سیاهپوست، فعالین و رهبران عملی این طبقه موفق شدند در سال ۱۹۷۳، ۳۰۲ اعتصاب با شرکت نزدیک به هفتاد هزار کارگر و در سال ۱۹۷۴، ۱۹۴ اعتصاب با شرکت حدود ۳۸۰۰۰ نفر را سازمان بدهند. (۱۸) در دل این اعتصابات کارگری تشکلهای کارگران سیاهپوست شکل گرفتند که بالاخره در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ دولت مجبور شد آنها را پرسمیت بشناسد.

واقعه دوم اعتصاب و مبارزات وسیع سال ۱۹۷۶ دانش‌آموزان در شهرک سیاهپوست نشین سووتو نزدیک ژوهانسبورگ بود که در اعتراض به نظام آموزشی آپارتاید به پاخاسته بودند. این مبارزات که عمدتاً توسط جنبش آگاهی سیاهان سازمان یافته بود در مدت کوتاهی همه

ساکنین این شهرک دو میلیون نفری را در بر گرفت و صدایش در تمام آفریقای جنوبی و سراسر جهان طنین افکند. دولت مرکزی بالاخره این مبارزات را سرکوب کرده، عده زیادی را کشته و برخی از رهبران آنرا دستگیر و استیو بیکو چهره سرشناس این جنبش را در زندان بقتل رساند. ولی مبارزات سال ۱۹۷۶ زحمتکشان سیاهپوست در سووتو به نقطه عطفی در مبارزات مردم این کشور تبدیل گردید و حضور قدرتمند کارگران و زحمتکشان شهری سیاهپوست را در قلب مبارزات ضد آپارتاید با بانگی رسا به تمام اهالی آفریقای جنوبی و جهانیان اعلام نمود.

این اعتصابات و مبارزات قدرتمند کارگری و شهری دهه ۷۰ در عین حال بوضوح نشان دادند که نه جنگ چریکی در بیشه و جنگل شکل اصلی مبارزه و نه سازمانهای رهائهبخش از نوع میلا* آنگولا و فرلیمو** موزامبیک میتوانند سازمانهای اصلی متشکل کننده زحمتکشان آفریقای جنوبی باشند. الگوی آنگولا و موزامبیک در آفریقای جنوبی نمیتوانست کارآ باشد. طبقه کارگر میلهونی و قدرتمندی در آفریقای جنوبی شکل گرفته بود که با اشکال کلاسیک و طبقاتی مبارزه خود یعنی باپکوت، تظاهرات، اعتصاب و شورشهای شهری ریشه مرگ بر اندام بورژوازی حاکم و دست اندرکاران آپارتاید میآنداخت. اتحادیههای کارگری بزرگی در حال پاگرفتن بودند. اتحادیههای کارگری که خواست نابودی سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم، هرچند هنوز گنگ و کلی، بر پرچمشان میدرخشید. این تحولات طبقاتی و مبارزاتی در آفریقای جنوبی نمیتوانست در

* MPLA

** FRELIMO

ای.ان.سی.، اشکال مبارزه، سیاستها و سمتگیری، طبقاتی آن تاثیر نگذارد. در این مبارزات ای.ان.سی. نقش قابل ملاحظه‌ای نداشت. فعالیت ساکتو، کنفدراسیون کارگری وابسته به ای.ان.سی. و حزب "کمونیست" آفریقای جنوبی، محدود به انتشار برخی ژورنالها در خارج از آفریقای جنوبی بود. ساکتو شبکه سازمانیافته‌ای در کارگران آفریقای جنوبی نداشت و تشکیلاتش عمدتاً به بخش خارج از کشور و تبعیدی محدود بود و در اعتصابات کارگری دهه ۷۰ و شکل‌گیری سازمانهای کارگری نتوانست نقشی بازی کند. ای.ان.سی. به‌مراه اشکال مبارزه و سازماندهی از واقعیت مبارزه در آفریقای جنوبی عقب افتاده بود.

چند تحول در سطح منطقه جنوب آفریقا در سال ۱۹۷۹ و اوایل دهه ۸۰ رهبری ای.ان.سی. را مجبور نمود تا تغییرات زیادی در سیاستها و اشکال مبارزه‌اش بوجود آورد. کنفرانس لانکاسترهاس که مکانیزم انتقال قدرت به اکثریت سیاهپوست زیمبابوئه را حدادی کرد، و نزدیکی گام به گام موزامبیک به بریتانیا و عقد قرارداد "نکومتی" با آفریقای جنوبی توسط سامورا ماشل مهمترین این تحولات بودند.

کنفرانس لانکاسترهاس، توسط دولت محافظه کار خاتم تاجر در لندن برگزار شد و در آن رابرت موگابه و جاشوانکومو رهبران سازمانهای اصلی رهاثیخس زیمبابوئه یعنی زانو و زاپو، یان‌اسمیت نخست وزیر نژاد پرست رودزیا (نام سابق زیمبابوئه) و وزیر خارجه بریتانیا لرد کرینگتون (رئیس سابق کمپانی استخراج معدن ریوتینتوزینک که در جنوب آفریقا فعالیت دارد) شرکت کنندگان اصلی بودند. مذاکرات این کنفرانس به عقد قراردادی منجر شد که شرایط و مکانیزم انتقال قدرت به اکثریت مردم زیمبابوئه و شرکت سیاهپوستان در امور سیاسی را مشخص مینمود.

مطابق این قرارداد نظام سرمایه‌داری در زیمبابوئه دست نخورده ماند، حکومت پارلمانی اکثریت با تخصیص ۲۰٪ کرسیها برای سفیدپوستان برقرار شد. ارتش چریکی در ارتش حرفه‌ای ادغام شده و تحت نظر و آموزش (!) افسران بریتانیایی سازمان جدید یافت. عالیترین مقام ارتش در دست وزیر دفاع دولت اسمیت، که دستش تا مرفق به خون سیاهپوستان آلوده بود باقی ماند. مالکیت سفیدپوستان بر زمینهای کشاورزی و کارخانهها برسمیت شناخته شد و قرار شد که در صورت لزوم برای دادن زمین به بخشی از جمعیت سیاهپوست دولت جدید از زمینهای بی‌صاحب استفاده کرده و یا قسمتی از زمینهای سفیدپوستان را بخرد. اگر رابرت موگابه رهبر رادیکال زانو و نخست وزیر آینده زیمبابوئه می‌توانست در سازش با امپریالیستهای غرب، سرمایه‌داران و رهبران نژادپرست قبلی فرجام چند دهه مبارزات خونین زحمتکشان زیمبابوئه را پاینجا بکشد کسی مثل اولیور تامبو چرا از حالا به فکر نباشد.

واقعه دوم نزدیکی گام به گام موزامبیک و سامورا ماشل به بریتانیا، فاصله گرفتن آن از اردوگاه امپریالیسم شوروی و بالاخره عقد قرارداد نکومتی با آفریقای جنوبی بود. در شرایطی که شوروی بعزت ضعف اقتصادی و مسائل داخلی روزبروز کمتر قادر بود تا تعهدات سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را در قبال دولت موزامبیک عملی کند، در سال ۱۹۸۴ سامورا ماشل سفری رسمی به بریتانیا نمود. در دیدار با مارگارت تاچر نخست وزیر بریتانیا، ماشل خواستار کمکهای اقتصادی بریتانیا به موزامبیک و ارسال افسران انگلیسی برای آموزش و سازماندهی ارتش موزامبیک شد. هم اکنون افسران ارتش بریتانیا در موزامبیک به

انجام وظیفه مشغول هستند. روابط موزامبیک با بریتانیا حسنه است. جانشین سامورا ماشل اخیرا دیدار دیگری در لندن با دولت بریتانیا داشته است. کمکهای اقتصادی بریتانیا به موزامبیک افزایش یافته و دولت موزامبیک رسماً تقاضا نموده تا بعنوان ناظر در اجلاسهای کشورهای مشترک المنافع شرکت نماید. در قرارداد نکومتی، مارس ۱۹۸۴، دولت موزامبیک تحت فشارهای اقتصادی و نظامی به دولت آفریقای جنوبی تعهد داد که اجازه ندهد چریکهای "زوبین ملت" از خاک آن برای رفتن به عملیات نظامی در آفریقای جنوبی استفاده نمایند.

این تحولات چشم انداز واقعی برقراری یک حکومت اکثریت در آفریقای جنوبی را برای جریان لیبرال - رفرمیستی مانند ای.ان.سی، ترسیم مینمود و راه و چاه، طرف مذاکره و چگونگی سازش کردن و به قدرت رسیدن را به آن نشان میداد.

تحولات ای.ان.سی. در سالهای اخیر

اواخر دهه ۷۰ و ۶۰ سال اخیر شاهد تحول ای.ان.سی. در اینجهت و تطبیق دادن خویش با شرایط جدید داخلی و خارجی است. رهوس این تغییرات به قرار زیر هستند:

الف - ایدئولوژی و استراتژی - در این زمینه تحولات ای.ان.سی. عبارتند از فاصله گرفتن هر چه بیشتر از هر نوع ایدئهای شبه سوسیالیستی، تاکید بر همه خلقی بودن انقلاب آفریقای جنوبی و ماهیت

غیر طبقاتی و غیر سوسیالیستی آن، مبارزه علیه هر جریان که بر اهداف مستقل طبقه کارگر پافشاری میکند و سرمایه‌داری آفریقای جنوبی را مورد حمله قرار میدهد و بالاخره تأکید بر "منشور آزادی" در کنار تفاسیر گنگ و کسدار از آن مفاد این منشور که مربوط به مصادره زمینها و ملی کردن معادن و سرمایه‌های انحصاری است.

هرکس که تاکنون مسائل مربوط به آفریقای جنوبی را دنبال کرده باشد قطعاً به یکی دو مورد در سخنرانیهای اولیور تامبو دربارہ کمونیست یا سوسیالیست بودن ای.ان.سی. و منشور آزادی برخورد کرده است. برای مثال میتوان به مصاحبه مجله اشپیل با تامبو در سال ۱۹۸۵ و مصاحبه روزنامه کیپ تایمز با وی در سال ۱۹۸۶ رجوع نمود. رهبری ای.ان.سی. بخصوص در سالهای اخیر تلاشهای فراوانی نموده‌اند که ماهیت غیر کمونیستی، غیرسوسیالیستی، دموکراتیک و بورژوازی آنها را با صراحت هر چه بیشتری عنوان نمایند. توبومبکی* یکی از سخنگویان اصلی ای.ان.سی. در این باره چنین نوشته است: (۱۹)

ای.ان.سی. یک حزب سوسیالیست نیست. هیچوقت سعی نکرده که باشد، هیچوقت نگفته که هست و سعی هم نمیکند که سوسیالیست بشود. [ای.ان.سی. - م] با یک دستور یا برای راضی کردن منتقدین چپ خود سوسیالیست نخواهد شد.

موضع ای.ان.سی. و رهبران آن در این باره بسیار صریح و روشن است. فقط جریانات تروتسکیست راست و سازمانهایی از نوع راه کارگر سعی میکنند تا با سوسیالیستی و پرولتری جلوه دادن این سازمان لیبرال - فرمیست اذهان کارگران در ایران و جهان را نسبت به واقعیات مبارزه در آفریقای جنوبی کدر کنند.

در مورد ماهیت انقلاب فعلی آفریقای جنوبی و ادعای غیر سوسیالیستی بودن آن هم اسناد فراوانی از ای.ان.سی. موجود است. ما در این مورد در بخش مربوط به حزب "کمونیست" آفریقای جنوبی که در واقع نقش تئوریسین این جریان را بازی میکنند بیشتر صحبت خواهیم کرد. اینجا کافیست به چند سند صریح و روشن از خود ای.ان.سی. اشاره بکنیم. مزا لاهیکی از رهبران ای.ان.سی.* در این باره چنین مینویسد: (۱۹)

واقعیت اینست که محتوای اصلی فاز فعلی انقلاب ما را رهایی ملی مردم سیاه تشکیل میدهد. درحقیقت غیر ممکن است که آفریقای جنوبی قبل از رهایی ملی ملت ستمدیده سیاه بطرف سوسیالیسم برود... از این پیشتر رفتن و اظهار اینکه مضمون همین مبارزه ناسیونالیستی در عین حال سوسیالیستی است مخدوش کردن واقعی [مسئله - م] است.

* MZALA

یکی دیگر از اعضای ای.ان.سی. بنام نیاووزا* که در عین حال عضو حزب "کمونیست" هم هست در نقد آنها بیهکه تئوری انقلاب دو مرحله‌ای را رد میکنند چنین مینویسد: (۱۹)

هدف واقعی این "مارکسیستهای" نوین رد کردن تئوری دو مرحله‌ای انقلاب ماست. برای انجام دادن موفقیت آمیز این کار آنها مجبورند اعتبار تز "کلنیالیسم از نوع ویژه" [تزی که حزب "کمونیست" آفریقای جنوبی جهت دفاع از سرمایه‌داری آفریقای جنوبی تراشیده است - م] را مورد سوال قرار داده، سپس تز مرحله دموکراتیک - ملی را از بین برده و نقش و واقعیت نیروهای غیر پرولتری دخیل در مبارزه را نفی کنند. آنها میخواهند آرایش، زبان و هر آنچه که ما برایش برخاسته‌ایم را عوض کنند.

و بالاخره اولیور تامبو در پاسخ به دوسوال از مصاحبه‌گر مجله اشپینگل چنین اظهار میدارد: (۲۰)

سوال - ای.ان.سی. چه نظام اقتصادی برای آینده آفریقای جنوبی در نظر دارد؟

جواب - منشور آزادی میگوید که ثروت‌های کشور به مردم
تعلق خواهد داشت.

سوال - این بمعنی ملی کردن بانکها و معادن خواهد
بود. آیا هنوز هم جا برای سرمایه‌های خصوصی بومی و
کمیالی اتومبیل فورد آمریکایی بعنوان مثال خواهد بود؟

جواب - چرا که نه؟ اینجا در زامبیا بانکها و معادن
ملی هستند و در عین حال شرکتهای خصوصی و سرمایه‌های
خارجی هم در کشور وجود دارند. (تاکید از ماست)

رهبران و روشنفکران ای.ان.سی. در این زمینه و بخصوص در
سالهای اخیر تلاش برای خارج کردن نظام سرمایه‌داری از زیر ضرب انقلاب
کارگران و زحمتکشان و سپردن تعهد به بورژوازی داخلی و خارجی در
مورد حفظ آن را بیشتر کرده‌اند. منشور آزادی در اواخر دهه ۶۰ و
دهه ۷۰ بتدریج مورد نقد رادیکالترین عناصر جنبش ضد آپارتاید در
آفریقای جنوبی قرار گرفت. خود ای.ان.سی. هم تا سال ۱۹۸۰ این
سند را برنامه خود اعلام نمی‌نمود و پیشتر از آن یک فصل مشترک و
موارد توافق با جریانات دیگر شرکت کننده در "کنگره مردم" سال
۱۹۵۵ استنباط میکردید. تاکید روز افزون ای.ان.سی. بر منشور
آزادی از اواخر دهه ۷۰، کوشش این جریان در تاکید بر ماهیت
اجتماعی - طبقاتی بورژوازی انقلاب جاری وجوه عمده مبارزه با آن
رادیکالیسم ضد کاپیتالیستی بود که "جنبش آگاهی سپاهان" و فعالین و
پیشروان جنبش کارگری در دهه ۷۰ از خود نشان دادند. ای.ان.سی.
سال ۱۹۸۰ را سال منشور آزادی نام گذارد و از آن موقع تاکنون

توضیح و تفسیر و تبلیغ این بیانیه، که حالا دیگر برنامه ای.ان.سی. خوانده میشود، و دفاع از آن در مقابل حملات و انتقادات جریانات رادیکالتر در جنبش یکی از ارکان فعالیتهای تبلیغی ای.ان.سی. بوده است.

ب - سیاست و ائتلافهای داخلی و خارجی - در این زمینه یکی از مهمترین اقدامات ای.ان.سی. بوجود آوردن جبهه متحد دموکراتیک (یو.دی.اف) در اوت ۱۹۸۳ بود. چندصد سازمان و نهاد سیاسی، صنفی و اجتماعی که در این جبهه شرکت دارند خود را متعهد به منشور آزادی هم نکرده‌اند. تشکیل این جبهه ۳ خاصیت مهم برای ای.ان.سی. دارد. اول اینکه ای.ان.سی. با تاسیس و تأیید این جبهه در یک ائتلاف شرکت کرده که دیگر خواست مصادره اراضی، ملی کردن بانکها و معادن را ندارد و باندازه منشور آزادی خواستهای رفاهی مشخصی هم مطرح نمیکند. دوم اینکه تحت چتر و پوشش یو.دی.اف. امکان نزدیکی و همکاری با جریانات و شخصیتهای لیبرال و بورژوا فراهم میشود. شرکت کشیشهای ریز و درشت از قبیل آلن بوساک رئیس یو.دی.اف.، اسقف دزموند توتو و نهادهایی از قبیل ساش سیاه* (جریانی که عمدتاً زنان سفیدپوست روشنفکر و همسران سرمایه‌داران سفیدپوست را در بر میگیرد) در یو.دی.اف. جنبه لیبرالی سمبکری و سیاستهای ای.ان.سی. را بیشتر میکند. و بالاخره یو.دی.اف. با این خواستها و رهبری لیبرال - منهدمی امکان کنترل

* BLACK SASH

رادیکالیسم نودمهای زحمتکش را فراهم می‌آورد. از دیگر اقدامات ای.ان.سی. در این دوره نزدیکی هر چه بیشتر مستقیم با سرمایه‌داران و شخصیت‌های سیاسی و لیبرال خود آفریقای جنوبی است. تماس بقول اولیور تامبو "مثبت" با هیات نمایندگی سرمایه‌داران آفریقای جنوبی و تعریف و تمجید از شخصیت‌هایی مانند اسقف توتو از زمره این اقدامات ای.ان.سی. هستند. اسقف توتو، کشیش سیاهپوستی است که تا سال ۱۹۸۲ در مبارزات ضد آپارتاید از او اسمی هم به میان نماند. بورژوازی بین‌المللی با ترفیع وی به مقام اسقفی و سپس دادن جایزه صلح نوبل در ۱۹۸۴ و بکمک مصاحبه‌های متعدد و مکرر در رادیوها و تلویزیون و روزنامه‌ها وجهه سیاسی و مبارزاتی برایش تراشیده و این کشیش لیبرال را به جنبش اعتراضی در آفریقای جنوبی تحمیل نمود. اولیور تامبو در سخنرانی‌اش بمناسبت هفتاد و سومین سالگرد تاسیس ای.ان.سی. در ۸ ژانویه ۱۹۸۵ در مورد توتو چنین اظهار نظر کرده است: (۲۱)

ما بخود می‌بایم که وجدان بین‌المللی، منعکس در کمیته صلح نوبل، تصمیم گرفته که جایزه صلح نوبل ۱۹۸۴ را به یک آفریقای جنوبی سیاهپوست یعنی اسقف دزموند توتو بدهد... اسقف توتو در راه رئیس آلبرت لوتولی محبوب ما گام برمی‌دارد.

اولیور تامبو در پاسخ به خبرنگار مجله اشپیگل که پرسیده بود "آیا کلیساها از مبارزه شما پشتیبانی میکنند" چنین پاسخ می‌دهد:

زمانی کلیساها با نظام آپارتاید همکاری میکردند.
در هر صورت، این وضعیت خاتمه یافته و آنها هم اکنون
عنصری از جنبش خلق علیه آپارتاید هستند.

در زمینه سیاست خارجی، دهه ۸۰ ناظر فاصله گرفتن هرچه بیشتر
ای.ان.سی. از رادیکالیسم ضد امپریالیستی، و فعال شدن دیپلماسی آن
در جهت نزدیکی به بلوک غرب و بخصوص سوسیال دموکراسی بین‌المللی
بوده است. رهبران و نمایندگان ای.ان.سی. در این چند سال با
اغلب رهبران بلوک غرب دیدار و گفتگوی رسمی داشته و سعی کرده‌اند
نظر مساعد آنها را بخود جلب نمایند. بهمان درجه از رجوع آنها به
شوروی و رهبران کشورهای بلوک شرق کاسته شده است. ای.ان.سی.
از مسافرت ادوار کندي سناتور آمریکایی به آفریقای جنوبی استقبال نموده
و او را حامی جنبش ضد آپارتاید خواند. در مصاحبه با روزنامه کیپ
تايمز تامبو اعلام کرد در مقابل دو اردوگاه شرق و غرب، آفریقای جنوبی
بعد از آپارتاید به کشورهای غیر متعهد پیوسته و دوباره عضو کشورهای
مشترک‌المنافع خواهد شد. ای.ان.سی. در ۶ سال گذشته پیوندهای
بسیار نزدیکی با بین‌الملل سوسیال‌دموکراتها بوجود آورده و از حمایت و
پشتیبانی احزاب و دول سوسیال دموکرات اروپا برخوردار است.

ای.ان.سی. در رابطه با جنبش کارگری در خود آفریقای جنوبی
از سال ۸۰ به بعد موفقیت‌های قابل توجهی داشته است. در دهه ۷۰
ای.ان.سی. و ساکتو کنفدراسیون وابسته به آن از تحولات جنبش
کارگری عقب مانده و نتوانستند در شکل‌گیری اتحادیه‌های کارگری جدید
نقش بازی کنند. در ابتدا برخی از رهبران این اتحادیه‌ها نظر خوبی

نسبت به ای.ان.سی. نداشتند. مثلا رهبری فدراسیون اتحادیه‌های کارگری تازه تاسیس فوساتو* در سال ۱۹۷۹ نظرش را در مورد ای.ان.سی. چنین بیان نمود: (۲۲) "ای.ان.سی. یک جنبش پوپولیستی است... و یک گرایش بطرف فعالیت سیاسی فرصت طلبانه بیجهت دارد." ولی در طی سال گذشته ای.ان.سی. موفق شده است که با رهبران بخشی از اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی به سازشهایی برسد. در ملاقاتی که در پنجم و ششم مارس ۱۹۸۶ بین هیات‌های رهبری ای.ان.سی.، ساکتو (کنفدراسیون کارگری وابسته به آن)، و کوساتو** (بزرگترین کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی با نیم میلیون عضو که در دسامبر ۱۹۸۶ تشکیل گردید) در لوساکا صورت گرفت، توافقاتی بین سه جریان بعمل آمد. بیانیه مشترکی که این نشست منتشر نمود حاکی از آنست که رهبری کوساتو، کنگره ملی آفریقا را بعنوان رهبر جنبش رهاثوبخش برسمیت شناخته و در مقابل رهبری ای.ان.سی. و ساکتو هم کنفدراسیون جدید را بعنوان کنفدراسیون کارگری اصلی در آفریقای جنوبی اعلام کرده و از سایر اتحادیه‌های کارگری خواسته‌اند که به آن بپیوندند. کوساتو، که اکنون در برگیرنده فوساتو هم هست، اخیرا بمناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تاسیس ای.ان.سی. پیام تبریک دوستانه‌ای برای آن ارسال داشته‌است. در کنگره ۲ کوساتو (ژوئیه ۱۹۸۲) این اتحادیه منشور آزادی را بعنوان برنامه جنبش ضد آپارتاید مورد تصویب قرار داد. (۲۳)

* FOSATU

** COSATU